

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

اللّٰهُمَّ صَلِّ عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

سوره مبارکه حج (جله ششم)

جله خانوادگی - استاد اخوت ۹۴/۸/۲۰

خدا توفیق دهد حرفهایی بزنیم که هدایتمان در آن باشد و شب قدر ما باشد **صلوات**

برای اینکه در این ایام مبارک، ارتباط با ابا عبدالله و اهل بیت نصیبمان شود و در زمره کسانی باشیم که در روز اربعین به زیارت ابا عبدالله مشرف می شوند **صلوات**

حج چند خصوصیت دارد:

۱. منسک است

۲. یکپارچه سازی می کند

۳. قصد ایجاد می کند

حج منسکی است که مجموعه عبادات در آن انجام میشود. نماز، طواف، سعی، وقوف و ... در آن داریم.

ضمن اینکه کارش یکپارچه سازی است. حتی از لحاظ فرمی هم لباس افراد، واحد می شود. اختلاف طبقاتی برداشته میشود. از همه دنیا با رنگهای مختلف جمع می شوند.

واژه حج به معنای قصد است. حج، قصد ایجاد می کند. فرد را با نیت می کند. با ایجاد مقصد برای افراد، برای آنها قصد ایجاد می کند.

از جمله مشکلات انسانها این است که مقصد مشخصی ندارند که بتوانند قصد کنند. دنیا، ازدواج و امثالهم نمی توانند مقصد باشند. چون سوال این است وقتی به آنها بررسی بعدش میخواهی چه کنی!!؟

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْجُدُ لَهُ مَن فِي السَّمَاوَاتِ وَمَن فِي الْأَرْضِ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ وَالْجِبَالُ وَالشَّجَرُ وَالْدَّوَابُّ وَكَثِيرٌ مِّنَ النَّاسِ وَكَثِيرٌ حَقَّ عَلَيْهِ الْعَذَابُ وَمَن يُهِنِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِن مُّكْرِمٍ إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ (۱۸)

__ در این سوره، سجده را عامل کرامت مطرح میکند و توان سجده نداشتن را عامل وهم.

صفتی که ما را به وهم میکشانند به وسیله سجده قابل درمان است.

__ حالت سجده داشتن در زندگی موضوعیت دارد. البته که حالت سجده به معنای قرار گرفتن هفت موضع بر خاک نیست.

آنچه حالت رکوع و سجده ایجاد می کند، قصد و نیت است.

انسان به قصدش می تواند راکع شود، ساجد شود یعنی همان حسی که در سجده داشت در هر حالت دیگری هم می تواند داشته باشد.

انسان به شرطی میتواند چنین باشد که بین حس سجده و رکوع و قرائت و ... در نمازش، تفاوت وجود داشته باشد.

رکوع... حالت خضوع و انقیاد دارد. خدایا هر چی تو بگویی همان است؛ مخلصیم

سجده ... حس می کند خاک است؛ از حالت تواضع خارج می شود و شکستگی خود را در مقابل خدا حس می کند.

__ انسان میتواند با تمرین کردن به گونه ای بشود که حین انجام همه کارهایش را در حال سجده باشد.

در سجده اگر تمام چراغهای اطراف هم روشن باشد، نمی بینی. چشم که نمی بیند، گوش بیشتر می شنود.

در این حالت مشاهده درونی اش تقویت می شود.

__ وضعیت فیزیکی انسان در تفکرش موثر است. یعنی نشسته، ایستاده، خوابیده، در سجده و ... بودن، هریک در تفکر موثر هستند. اینها بازی های تفکری است.

در سجده تفکر فعال تر است.

__ در سجده خودتان را در حالت داشتن صفتی ببینید و بخواهید و انتزاع کنید که آن صفت را نداشته باشید.

حال چطور ثياب کسی آتش می‌شود؟ وقتی انسان برای خودش، منصبش، پدر و مادر بودنش، تشخص هایش و .. جایگاه و عنوان قائل شود و از آنها مزد بخواهد.

حمیم: آب داغ؛ چیزی که آنقدر داغ شده که مذاب شده و از بالا به پایین ریخته می‌شود.

_ آیات عذاب اگر به صورت مفهومی خوانده نشود در وجودمان چهره خوبی پیدا نمی‌کند.

اگر هر کسی نسبت به مالکیتی که دارد اینطور نگاه کند، لباسش، آتش است؛ چون محروم از این ارزش است.

_ سجده حالت تعین و ثياب من الله را می‌گیرد و ثواب من الله می‌دهد.

_ جهنم و بهشت نباید طوری تعریف بشود که نسیه باشد. وقتی طوری تعریف بشود که بعدا اتفاق می‌افتد، طرف بی

خیال می‌شود. اگر کسی از مال و منصبش اجر خواست، قطعاً محروم است چون بازنشسته می‌شود.

_ ثياب نار:

نار یعنی محرومیت؛ زندگی فرد پر از دغدغه و محرومیت است.

_ هر جا آیه جهنم دیدید آن را به مفهوم واژه برگردانید. اگر آیه جهنم خواندید و آن را ندیدید، بدانید خوب آیه

را نخوانده‌اید چون چیزی خارج از وجود فرد نیست. جهنم، وضعش اعتباری نیست، حقیقی است.

كَلَّمَا أَرَادُوا أَنْ يَخْرُجُوا مِنْهَا مِنْ غَمٍّ أُعِيدُوا فِيهَا وَ دُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ (۲۲)

_ همه ما مصداقش هستیم. در دلمان نگاه می‌کنیم، جاهایی غم می‌بینیم. یک موقع این اندوه از باب نرسیدن به

خدا و قرب الهی است و نوشیدن شربت شهادت. این غم بخاطر بهشت است و در آن سرور و نشاط دارد.

یک موقع غم مان بخاطر مردم است مثلاً بخاطر چشم و هم چشمی.. این غم می‌آید و می‌رود، شامل این آیه نمی-

شود. با سجده و با یک نماز، یک دعای کامل، یک زیارت امام رضا برطرف می‌شود.

اما موقعی غمی چنگ زده و مانده؛ این بخاطر آن است که تعریف و نگرشت به عالم و به خدا ایراد دارد چون

حالت عذاب پیدا کرده. اگر کسی دچار غمی شد که دوباره به آن برگشت، این غم عذاب است .. ریشه آن عذاب

را باید بخشکاند. ریشه اش به ثياب و آیات قبل برمی‌گردد.

مثلاً (۱۲).... غیر خدا نه نفع می‌رساند و نه ضرر

(۱۳) ... معلوم است این گمراهی بعید است ، خیلی از هدایت دور است. اما کسی را می‌خواهی که ضررش از نفعش بیشتر است.

این آیات ، عذابش می‌شود. تمثیل این آدم را گفته که چگونه است تا بتوانی ببینی.

_ تمام آسیب‌ها و ضعفهای اخلاقی ما و ریشه هایش به خوبی در آیات جهنم بیان شده است.

و لَهُمْ مَقَامِعٌ مِّنْ حَدِيدٍ (۲۱)

_ گونه‌هایی از آهن مال اینهاست.

حدید، دردش خیلی بُرنده است. انتقال درد که میدهد ، تمام وجود فرد را دردناک می‌کند.

فردی را در نظر بگیرید که با هر کسی برخورد می‌کند، او هم یکی توی سرش می‌زند. کرامت نداشتن خاصیتش این است که هم از خودش می‌خورد و هم از دیگران.

دلیل هم افکار اشتباهی است که خود فرد دارد. اگر آنها را کنار بگذارد درست می‌شود.

راه کنار گذاشتن این افکار هم سجده است.

_ خطری در خودت احساس کردی سجده کن. هر کاری خواستی بکنی و در لایه خلاف بود سجده کن. سجده آدم را بزرگ می‌کند و باعث می‌شود خود را لایق تر از آن ببیند که ما را بد بکند.

إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ يَحَلُّونَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ وَ لُؤْلُؤًا وَ لِبَاسُهُمْ فِيهَا حَرِيرٌ (۲۳)

خیلی جالب است. از مواضع تعجب در قرآن اینجاست که در وصف بهشتیان برای زن و مرد از دستبند استفاده می‌کند. دستبند یعنی چه؟

دستبندی که از لؤلؤ یا طلا یا نقره است. چه وجهی دارد که در قرآن بحث دستبند را می‌گوید؟

دستبند، زیباترین کلمه در تعلق یک نفر به نفر دیگر است. این آدم زینتی دارد که معلوم است مالِ اوست و نشانه‌ای از مالِ خدا بودنش است.

گردنبند، طوق عبودیت است و دستبند یعنی قوه اجرایی من، بندِ اوست.

قوه اجرا یعنی برزوات، رفتارها و صادرات من.

هر که ببیند می‌فهمد که چه زیباست: چقدر خوب حرف می‌زنی، چقدر خوب راه می‌روی، چقدر خوب بین دو نفر صلح میدهی و ...

خدا مدال افتخار را روی دست یا گردن آویزان می‌کند.

— بین صفات بهشت و جهنم و رفتارها و برزوات انسانها ارتباط مستقیم وجود دارد. به لایه ظاهر و درون هر دو نگاه بیندازید.

لباس حریر: لباس زیبا، نرم و تفاخر است. برای مردها حرام است. قابلیت توی چشم بودن به آدمها می‌دهد. جلوه دار است. سپیدی و پاکی و نرمی دارد.

جلوه مراقبتشان خیلی بالاست. با کسی زوجیت اختیار می‌کند که با او رفیق داشته، زینت او هستند و او زینت ایشان است.

لباس به معنای زوج هم در قرآن آمده است.

در دنیا این لباس در شأن زنان است و در آخرت در شأن زن و مرد.

این نشان می‌دهد انگار زن از بهشت خارج نشده، زن برایش حرام نشده اما برای مرد حرام شده است.

— خانم‌ها بهتر است خانم بمانند، در بهشت بمانند و قدر دستبند، گردنبند و لباس حریرشان را بدانند.

وَهُدُوا إِلَى الطَّيِّبِ مِنَ الْقَوْلِ وَهُدُوا إِلَى صِرَاطِ الْحَمِيدِ (۲۴)

بعضی از صفات بهشتی، دنیا و آخرتش شبیه هم هستند و حتی یکی هستند. مثل قول طیب (از بهشت آمده اینجا، در نتیجه بهشتی است و آنجا هم همین است)

گفتمان روزانه تان قول طیب باشد، در بهشت زندگی می کنید. لازم نیست تبدیل بخورد.

اگر کسی فقط از ناحیه قول به سمت طیبات پیش برود تمام زندگی اش را طیب و بهشتی می کند. اگر کسی حرف طیب بزند و با اختیار کلام طیب بشنود، میتوان قسم خورد که بهشتی است.

برای داشتن قول طیب فقط کافی است قول غیرطیب (یعنی عُر، نُق، قول سوءظن، دروغ و ...) کنار بگذاری.

خدا می خواهد بگوید به خدا قسم لباس آتش پوشیدن سخت است.

دستبند و لباس حریر پوشیدن نه تنها راحت است که لذت هم دارد.

— نشنیدن قول غیرطیب از طریق

سنخیت با قول طیب، مراعات در حرف زدن و در معرض آنها که قول طیب ندارند بالاخص آنها که اهل باطل هستند نبودن امکانپذیر است.

اگر برای خودمان و دیگران تشخُّص قائل هستیم و از دیگری جز خدا احترام می خواهیم، این کار را در سجده هایمان کنار بگذاریم به برکت صلوات بر محمد و آل محمد.

تعجیل در فرج امام زمان (عج) صلوات